

تلاشی در مسیر موفقیت



- ✓ دانلود گام به گام تمام دروس
- ✓ دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه
- ✓ دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی
- ✓ دانلود نمونه سوالات امتحانی
- ✓ مشاوره کنکور
- ✓ فیلم های انگیزشی

 Www.ToranjBook.Net

 [ToranjBook_Net](https://t.me/ToranjBook_Net)

 [ToranjBook_Net](https://www.instagram.com/ToranjBook_Net)

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

2

الزَّراعة (کشاورزی)

لِلزَّاعَةِ دَوْرُهُمْ فِي حَيَاتِنَا. وَهِيَ أَسَاسٌ فِي ظُهُورِ الْحَضَارَاتِ الْقَدِيمَةِ.

ترجمه: کشاورزی نقش مهمی در زندگی ما دارد و آن پایه‌ای در ظاهر شدن (شمایل) تمدن‌های قدیمی است. الزَّاعَةُ، مَصْدَرٌ رَّئِيسِيٌّ لِلْحُصُولِ عَلَى الْغِذَاءِ.

ترجمه: کشاورزی منبع مهمی برای به دست آوردن غذا است.

الزَّاعَةُ، تَخْلُقُ فُرْصَ عَمَلٍ لَكَثِيرٍ مِنَ الْأَشْخَاصِ.

ترجمه: کشاورزی، فرصت‌های کاری برای بسیاری از اشخاص خلق می‌کند (می‌آفریند).

قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ (ع): خَيْرُ الْمَالِ، زَرْعُ زَرْعِهِ صَاحِبُهُ.

ترجمه: امام صادق (ع) فرمود: بهترین مال، کشتی است که صاحبش آن را کاشت.



زِرَاعَةُ الْكُرْزِ (کشاورزی برنج)



حَصَادُ الْقَمْحِ (محصول گندم)



حَصَادُ الْبَطَاطِسِ (محصول سیب‌زمینی‌ها)



زِرَاعَةُ الشَّوْنَدِرِ (کشاورزی چغندر)

3

تَرْبِيَةُ الْمَوَاشِي (دامداری)

تَرْبِيَةُ الْمَوَاشِي مَصْدَرٌ رَّئِيسِيٌّ لِمُنْتَجَاتِ الْأَلْبَانِ وَاللَّحُومِ وَالصُّوفِ.

ترجمه: دامداری منبع مهمی برای تولیدات فرآورده‌های شیری و گوشت‌ها و پشم است.

مِائَتُ الْأَلْفِ مِنْ سَكَانِ الْقَرْيَةِ يَحْصُلُونَ عَلَى دَخْلٍ كَبِيرٍ مِنْ تَرْبِيَةِ الْمَوَاشِي دَاخِلَ أَرْضِهِمْ.

ترجمه: صدها هزار نفر از ساکنین روستا درآمد بزرگی از دامداری درون (داخل) زمین‌هایشان به دست می‌آورند.

(هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا) هُود: 61

ترجمه: او شما را از زمین پدید آورد و شما را در آن آباد کرد.

قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ (ع): نِعْمَ الْمَالُ الشَّاةُ.

ترجمه: امام صادق (ع) فرمود: گوسفند چه مال (ثروت) خوبی است.



تَرْبِيَةُ الْبَقَرِ (پرورش گاوها)



تَرْبِيَةُ الْغَنَمِ (پرورش گوسفندان)



تَرْبِيَةُ الْجَمَالِ (پرورش شتران)



تَرْبِيَةُ الْمَاعِزِ (پرورش بز)

- عَيْنُ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأُ حَسَبَ تَصَدُّرِ الدَّرْسِ.
- ترجمه: صحیح و غلط را برحسب متن درس مشخص کن.
- 1- قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ (ع): نِعَمَ الْمَالُ الشَّاةُ.
- ترجمه: امام صادق فرمود: گوسفند چه مال (ثروت) خوبی است.
- 2- الزَّرَاعَةُ، أَسَاسٌ فِي ظُهُورِ الْحَضَارَاتِ الْقَدِيمَةِ.
- ترجمه: کشاورزی پایه‌ای در ظهور تمدن‌های قدیمی است.
- 3- الزَّرَاعَةُ، تَخْلُقُ قُرْصَ عَمَلٍ لِقَلِيلٍ مِنَ الْأَشْخَاصِ.
- ترجمه: کشاورزی، فرصت‌های کاری برای تعداد کمی از افراد خلق می‌کند (می‌آفریند).
- 4- تَرْبِيَةُ الْمَوَاشِي، مَصْدَرٌ رَأْسِيٌّ لِلْمُنْتَجَاتِ الصَّنَاعِيَّةِ.
- ترجمه: دامداری منبع مهمی برای تولیدات صنعتی است.
- 5- سَكَانُ الْمَدْنِ، يَحْصُلُونَ عَلَى دَخْلٍ كَبِيرٍ مِنْ تَرْبِيَةِ الْمَوَاشِي.
- ترجمه: ساکنین شهرها از دامداری درآمد بزرگی به دست می‌آورند.

5

حوار (فی سوقِ مشهد) - گفتگو (در بازار مشهد)

بَائِعُ الْمَلَابِسِ	الزَّائِرَةُ الْعِرَاقِيَّةُ
عليك السلام، مرحباً بك. أربعمئة ألف تومان. عندنا بسعر ثلاثمئة وخمسين ألف تومان. تفضلي، أنظري. أبيض وأسود وأزرق وأحمر وأصفر وبفسجى. تبدأ الأسعار من خمسمئة ألف إلى ستمئة ألف تومان. سيدتى، يختلف السعر حسب النوعيات.	سلام عليكم. كم سعر هذا القميص الرجالي؟ أريد أرخص من هذا. هذه الأسعار غالية. أى لون عندكم؟ بكم تومان هذه القسائين؟ الأسعار غالية!

ترجمه:

فروشنده لباس‌ها	زائر عراقی
سلام بر شما، خوش آمدید 400 هزار تومان به قیمت 350 هزار تومان داریم. بفرما نگاه کن. سفید و سیاه و آبی و قرمز و زرد و بنفش قیمت‌ها از 500 هزار تومان تا 600 هزار تومان شروع می‌شود. خانم قیمت براساس جنس‌ها فرق می‌کند.	سلام بر شما قیمت این پیراهن مردانه چند است؟ ارزان‌تر از این می‌خواهم این قیمت‌ها گران است. چه رنگی دارید؟ این پیراهن‌های زنانه چند تومان است؟ قیمت‌ها گران است.

8

جَبَل دَمَاوَنْدِ أَعْلَى جَبَلِ فِي إِيرَانَ. کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است.	
سِعْرُ بَطَاقَةِ الطَّائِرَةِ أَعْلَى مِنْ سِعْرِ بَطَاقَةِ الْحَافِلَةِ وَالْقَطَارِ. قیمت بلیط هواپیما گران‌تر از قیمت بلیط اتوبوس و قطار است.	
دوست داشتنی‌ترین مردم، سودمندترین مردم است.	أَحَبُّ النَّاسِ، أَنْفَعُ النَّاسِ.

ترجمه: آیه و احادیث را ترجمه کن سپس یک خط زیر اسم تفضیل بکش.

1- (... وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ...) النحل: 125

ترجمه: و با آنان به روشی که آن نیکوتر است بحث کن به راستی پروردگارت به کسی که از راهش گمراه شد آگاه‌تر است.

2- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ . رسول الله (ص)

ترجمه: چیزی سنگین‌تر از اخلاق نیک در ترازوی (اعمال) نیست.

3- أَعْدِلُ النَّاسَ، مَنْ رَضِيَ لِلنَّاسِ مَا يَرْضَى لِنَفْسِهِ . رسول الله (ص)

ترجمه: عادل‌ترین مردم کسی است که راضی شود (شد) برای مردم از آنچه برای خودش راضی می‌شود.

4- أَعْلِمُ النَّاسَ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ . رسول الله (ص)

ترجمه: داناترین مردم کسی است که علم مردم را به علم خود افزود. (ببفازید)

5- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ، أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ . رسول الله (ص)

ترجمه: محبوب‌ترین بندگان خدا نزد خدا سودمندترینشان برای بندگانش است.

6- أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ . رسول الله (ص)

ترجمه: بهترین کارها کسب حلال است.

7- أَطْيَبُ الْكَسْبِ، عَمَلُ الرَّجُلِ بِيَدِهِ . رسول الله (ص)

ترجمه: پاک‌ترین کسب و کار، کار مرد با دستش است. (کار یدی است)

8- أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ، صَدَقَةُ اللِّسَانِ . رسول الله (ص)

ترجمه: برترین صدقه، صدقه زبان است.

9- أَشَجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ . رسول الله (ص)

ترجمه: شجاع‌ترین مردم کسی است که بر نفسش غلبه کند. (غلبه کرد)

10- لَا سَوْءَ أَسْوَأَ مِنَ الْكَذِبِ . امام علی (ع)

ترجمه: هیچ بدی بدتر از دروغ نیست. (وجود ندارد)

التَّحْمِينُ الأول

أَيُّ كَلِمَةٍ مِنَ الْكَلِمَاتِ الْجَدِيدَةِ لِلدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ.

ترجمه: کدام کلمه از کلمات جدید برای درس با توضیحات زیر تناسب دارد. (مناسب است)

1- مَجْمُوعَةٌ مِنَ الْمَظَاهِرِ الْعِلْمِيَّةِ وَالْأَدَبِيَّةِ وَالْفَنِّيَّةِ، وَاجْتِمَاعِيَّةٍ:

پاسخ: الحضارات

ترجمه: مجموعه‌ای از مظاهر علمی و ادبی و فنی و اجتماعی

2- آلَةٌ يُعْرَفُ بِهَا مِقْدَارُ وَزْنِ الْأَشْيَاءِ وَالبَضَائِعِ:

پاسخ: الميزان (ترازو)

ترجمه: وسیله‌ای که توسط آن وزن اشیاء و کالاها شناخته می‌شود. (معرفی می‌شود)

3- حَيَوَانٌ مَعْرُوفٌ فِي الْقَرْيَةِ يَأْكُلُ الْعَلْفَ:

پاسخ: شاة (گوسفند)

ترجمه: حیوانی معروف در روستا که علف می‌خورد.

4- مَنْتَجَاتٌ وَ مَحَاصِيلُ مِنَ اللَّبَنِ:

پاسخ: ألبان (فرآورده‌های شیری)

ترجمه: تولیدات و محصولات از شیر

5- تُصْنَعُ مِنْهُ الْمَلَابِيسُ:

پاسخ: صوف (پشم)

ترجمه: لباس‌ها از آن ساخته می‌شوند.

6- قِيَمَةُ الْبُضَاعَةِ:

پاسخ: عَر (قیمت)

ترجمه: ارزش کالا

7- عَشْرُ مِائَاتٍ:

ترجمه: ده صد

التَّعْمِيرُ الثَّانِي

أَكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ كَالْمِثَالِ:

ترجمه: عملیات حسابی زیر را مانند مثال بنویس.

1- عَشْرَةٌ زَائِدُ أَرْبَعَةٍ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ عَشَرَ.

پاسخ: $(10 + 4 = 14)$

ترجمه: ده به علاوه 4 مساوی است با 14

2- أَرْبَعُونَ نَاقِصٌ عَشْرَةٍ يُسَاوِي ثَلَاثِينَ.

پاسخ: $(40 - 10 = 30)$

ترجمه: 40 منهای 10 مساوی است با 30

3- مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي خَمْسِينَ.

پاسخ: $(100 \div 2 = 50)$

ترجمه: 100 تقسیم بر 2 مساوی است با 50

4- ثَمَانِيَّةٌ فِي ثَلَاثَةِ عَشَرَ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ عَشْرِينَ.

پاسخ: $(8 \times 3 = 24)$

ترجمه: 8 ضربدر 3 مساوی است با 24

5- ثَلَاثُونَ زَائِدُ سَبْعَةِ عَشَرَ يُسَاوِي سَبْعَةَ وَ أَرْبَعِينَ.

پاسخ: $(30 + 17 = 47)$

ترجمه: 30 به علاوه 17 مساوی است با 47

6- سِتَّةٌ وَ سَبْعُونَ نَاقِصٌ أَحَدَ عَشَرَ يُسَاوِي خَمْسَةَ وَ سِتِّينَ.

پاسخ: $(76 - 11 = 65)$

ترجمه: 76 منهای 11 مساوی است با 65

ترجم الأفعال و المصادر التالية.

ترجمه فعل‌ها و مصدرهای زیر را ترجمه کنید.

الماضی	المضارع	الأمر و النهی	المصدر
أَحْسَنُ: نیکی کرد	يُحْسِنُ: نیکی می‌کند	أَحْسِنُ: نیکی کن	إِحْسَانُ: نیکی کردن
اقْتَرَبَ: نزدیک شد	لا يَقْتَرِبُ: نزدیک نمی‌شود	لا تَقْتَرِبُ: نزدیک نشو	اقْتِرَابُ: نزدیک شدن
انْكَسَرَ: شکسته شد	سَيَكْسِرُ: شکسته خواهد شد	لا تَنْكَسِرُ: شکسته نشو	انْكَسَارُ: شکسته شدن
اسْتَغْفَرَ: آمرزش خواست	يَسْتَغْفِرُ: آمرزش می‌خواهد	اسْتَغْفِرْ: آمرزش بخواه	اسْتِغْفَارُ: آمرزش خواستن
ما سَافَرَ: سفر نکرد	لا يُسَافِرُ: سفر نمی‌کند	سَافِرْ: سفر کن	سَافَرَةٌ: سفر کردن
تَعَلَّمَ: یاد گرفت	يَتَعَلَّمُ: یاد می‌گیرد	تَعَلَّمْ: یاد بگیر	تَعَلُّمٌ: یاد گرفتن
تَبَادَلَ: عوض کرد	يَتَبَادَلُ: عوض می‌کند	لا تَتَبَادَلُ: عوض نکن	تَبَادُلُ: عوض کردن
عَلَّمَ: آموزش داد	سَوْفَ يَعْلَمُ: آموزش خواهد داد	عَلِّمْ: آموزش بده	تَعْلِيمٌ: آموزش دادن

اسْتَخْرِجْ خَمْسَةَ أَسْمَاءٍ تَفْضِيلُ مِنْ دُعَاءِ الْاِفْتِتَاحِ.



ترجمه 5 اسم تفضیل از دعای افتتاح استخراج کن.

ابْحَثْ عَنْ آيَاتٍ أَوْ أَحَادِيثَ أَوْ نَصٍّ حَوْلَ أَهَمِّيَّةِ زِرَاعَةِ الْأَشْجَارِ.

ترجمه دنبال آیات یا احادیث یا متنی پیرامون اهمیت کاشتن درختان بگرد.

(أَفْرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ.) الواقعة: 63 و 64

ترجمه پس آیا ندیدید تخمی را که در زمین کشتید؟ آیا شما (از خاک) آن تخم را رویانیدید یا ما رویانیدیم؟



آدابُ الكلامِ في القرآنِ و (الأحاديثُ) (آدابُ سخن در قرآن و حدیث‌ها)

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا) (الأحزاب: 70)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا پروا کنید و سخنی درست و استوار بگویید.

(ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ) (النحل: 125)

ترجمه: به راه پروردگارت با دانش استوار و پند نیکو دعوت کن. (فراخوان)

(وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ) (الإسراء: 36)

ترجمه: هرگز بر آنچه علم و اطمینان نداری پیروی نکن.

(لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ) (الصف: 2)

ترجمه: چرا می‌گوئید آنچه را که انجام نمی‌دهید.

مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ، فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ. (رسول الله (ص))

ترجمه: هر کس مردم از زبانش بترسند، پس او از اهل آتش (جهنم) است.

كَلِمَ النَّاسِ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ. (رسول الله (ص))

ترجمه: با مردم به اندازه عقل‌هایشان سخن بگو.

اتَّقُوا مَوَاضِعَ التُّهْمِ. (رسول الله (ص))

ترجمه: از جایگاه‌های تهمت‌ها پروا کنید.

تَكَلَّمُوا تَعْرِفُوا؛ فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ. (الإمام علي (ع))

ترجمه: سخن بگوئید تا شناخته شوید، پس همانا انسان در زیر زبانش پنهان است.

لَا تُحَدِّثْ بِمَا تَخَافُ تَكْذِيبَهُ. (الإمام علي (ع))

ترجمه: از چیزی که از دروغ پنداشتنت می‌ترسی سخن نگو.

فَكَّرْ، ثُمَّ تَكَلَّمْ، تَسَلِّمْ مِنَ الزَّلَلِ. (الإمام علي (ع))

ترجمه: فکر کن، سپس سخن بگو، تا از جای لغزنده درامان باشی. (سالم بمانی)

عَوْدٌ لِسَانِكَ لِبَيْنِ الْكَلَامِ. (الإمام علي (ع))

ترجمه: زبانت را به سخن نرم عادت بده.

خَيْرُ الْكَلَامِ، مَا قُلَّ وَدَلَّ. (الإمام علي (ع))

ترجمه: بهترین سخن، آن است که کم باشد و راهنمایی کند.

رُبَّ كَلَامٍ، كَالْحُسَامِ. (الإمام علي (ع))

ترجمه: چه بسا سخنی مانند شمشیر است.

عَيْنُ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

ترجمه: درست و غلط را بر حسب متن درس مشخص کن.

1- الَّذِي يَتَكَلَّمُ فِي مَا لَا يَعْلَمُ، يَقَعُ فِي خَطَأٍ.

ترجمه: کسی که در مورد آنچه که نمی‌داند سخن می‌گوید در اشتباه می‌افتد.

2- لَا إِشْكَالَ فِي التَّكَلُّمِ بَلَا تَفْكَرٍ لِلدِّفَاعِ عَنِ الْحَقِّ.

ترجمه: هیچ اشکالی در سخن گفتن بدون فکر برای دفاع از حق نیست.

3- مَنْ خَافَ النَّاسُ مِنْ لِسَانِهِ، فَهُوَ قَوِيٌّ. Q "

ترجمه: هر کس مردم از زبانش بترسند، پس او قوی است.

4- لَا إِشْكَالَ فِي اقْتِرَابِ مَوْضِعِ التُّهْمَةِ. Q "

ترجمه: هیچ اشکالی در نزدیک شدن به جایگاه تهمت نیست.

5- عَلَيْنَا أَنْ لَا نَجْرَحَ الْآخِرِينَ بِلِسَانِنَا. " R

ترجمه: ما نباید دیگران را با زبانمان مجروح کنیم. (آزار دهیم)

6- عَلَيْنَا مُجَادَلَةُ الْآخِرِينَ بِأَسْوَأِ شَكْلِ. Q "

ترجمه: ما باید با دیگران به بدترین شکل مجادله (بحث = ستیز) کنیم.

7- الَّذِي لَا يَتَكَلَّمُ لَا يُعْرِفُ شَأْنَهُ. " R

ترجمه: کسی که سخن نمی‌گوید ارزشش شناخته نمی‌شود.

8- لَا تُحَدِّثْ بِمَا نَخَافُ تَكْذِيبَهُ. " R

ترجمه: به آنچه که از دروغ پنداشتنت می‌ترسیم سخن نمی‌گوییم.

9- الْمُؤْمِنُ لَا يَقُولُ مَا لَا يَفْعَلُ. " R

ترجمه: مؤمن نمی‌گوید آنچه را که انجام نمی‌دهد.

17

حوار (فی الملعب الرياضي) - گفتگو (در ورزشگاه)

إبراهيم	إسماعيل
لِمُشَاهَدَةِ أَيِّ مَبَارَاةٍ؟	تَعَالَ نَذْهَبَ إِلَى الْمَلْعَبِ.
بَيْنَ مَنْ هَذِهِ الْمَبَارَاةُ؟	لِمُشَاهَدَةِ مَبَارَاةِ كُرَةِ الْقَدَمِ.
تَعَالَ نَذْهَبَ.	بَيْنَ فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ وَالسَّعَادَةِ.
فِي الْمَلْعَبِ ...	
هَدَفٌ، هَدَفٌ، سَجَلٌ هَدَفًا.	أَنْظُرْ؛ فَرِيقُ الصَّدَاقَةِ هَجَمَ عَلَى الْمَرْمَى.
بِسَبَبِ تَسَلُّلٍ.	لَكِنَّ الْحَكَمَ مَا قَبْلَ الْهَدَفِ؛ لِمَاذَا؟!
فِي نِهَآيَةِ الْمَبَارَاةِ ...	
تَعَادَلًا مَرَّةً ثَانِيَةً.	الْحَكَمُ يَصْفِرُ.

ترجمه:

ابراهيم	اسماعيل
برای دیدن چه مسابقه‌ای؟ (کدام مسابقه)	بیا به ورزشگاه برویم.
این مسابقه میان چه کسانی است؟	برای دیدن مسابقه فوتبال
بیا برویم	میان تیم سعادت و صداقت
در ورزشگاه	
گل، گل، گلی به ثمر رسید (ثبت گردید)	نگاه کن تیم صداقت روی دروازه حمله کرد.
شاید به دلیل آفساید	ولی داور گل را قبول نکرد چرا؟
در پایان مسابقه	
بار دوم بدون گل برابر شدند.	داور سوت می‌زند.



كَانَ الْعَلَمَةُ لَطِّيبًا طِبَائِيًّا رَجُلًا فَهَامًا وَمِنْ أَبْرَزِ الْفَلَسَفَةِ وَالْعُرَفَاءِ فِي الْقَرْنِ الْعَشْرِينَ.

ترجمه: علامه طباطبائی، مردی بسیار فهمیده و از بارزترین فیلسوفان و عارفان در قرن 20 بود.

20

(خودت را امتحان کن) (خُبِّرْ نَفْسَكَ) (1):

لِلتَّرْجَمَةِ:

ترجمه: برای ترجمه

1- (حَمَالَةُ الْحَطَبِ).

ترجمه: حمل کننده هیزم (هیزم کش)

3- (أَمَارَةٌ بِالسَّوَاءِ).

ترجمه: بسیار دستوردهنده به بدی

5- (هُوَ كَذَّابٌ).

ترجمه: او بسیار دروغگوست.

7- الطَّيَّارُ الْإِيرَانِيُّ.

ترجمه: خلبان ایرانی

9- يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ.

ترجمه: ای بسیار بخشنده (آمرزنده) گناهان

11- الْهَاتِفُ الْجَوَّالُ.

ترجمه: تلفن همراه

2- (الْخَلْقُ الْعَلِيمُ).

ترجمه: بسیار آفریننده دانا

4- (عَلَامُ الْغُيُوبِ).

ترجمه: بسیار داننده پنهان‌ها

6- (لِكُلِّ صَبَّارٍ).

ترجمه: برای هر بسیار صبرکننده‌ای (شکیبایی)

8- يَا سِتَّارَ الْغُيُوبِ.

ترجمه: ای بسیار پوشاننده عیب‌ها

10- فَتَّاحَةُ الزُّجَاجَةِ.

ترجمه: در بازکن شیشه (شیشه بازکن)

12- أَفْضَلُ قَتَّانٍ.

ترجمه: برترین هنرمند

20

(خودت را امتحان کن) (خُبِّرْ نَفْسَكَ) (2):

عَيْنُ اسْمِ الْمُبَالِغَةِ.

ترجمه: اسم مبالغه را مشخص کن.

1 عِلَامَةُ £ صِدَاقَةٌ £ صَبَّارَةٌ R كِتَابَةٌ £

2 فَرَاغٌ £ عَذَابٌ £ صُنَاعٌ £ غَفَّارٌ R

3 سَمَاءٌ £ كَذَّابٌ R جِهَادٌ £ زَمَانٌ £

21

الْثَّمَرَيْنِ الْأَوَّلِ

تَرْجُمِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

ترجمه: حدیث‌های نبوی را ترجمه کن، سپس آنچه را از تو خواسته مشخص کن.

1- إِنَّ مِنْ شَرِّ عِبَادِ اللَّهِ، مَنْ تَكَرَّرَ مُجَالَسَتُهُ لِفَحْشِيهِ. (رسول الله (ص))

ترجمه: همانا از بدترین بندگان خدا کسی است که همنشینی با او برای گفتار و کردار زشتش ناپسند شمرده می‌شود.

(الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ وَالْجَمْعُ الْمَكْسَرُ)

پاسخ: فعل مجهول: تَكَرَّرَ جمع مكسر: عِبَاد

2- أَتَقَى النَّاسَ، مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِي مَا لَهُ وَ عَلَيْهِ. رسول الله (ص)

ترجمه: پرهیزکارترین مردم کسی است که حق را گفت (بگوید) در آنچه که به سودش و به زیانش است.

(اسم التفضیل و الفعل الماضي)

پاسخ: اسم تفضیل: اتقى فعل ماضی: قال

3- لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ، بَلْ لَا تَقُلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ. الإمام علی (ع)

ترجمه: آنچه را نمی دانی نگو بلکه همه آنچه را که می دانی نگو.

(المضارع المنفی و فعل النهی)

پاسخ: مضارع منفی: لا تعلم فعل نهی: لا تقل

4- قُلِ الْحَقَّ، وَإِنْ كَانَ مُرًّا. رسول الله (ص)

ترجمه: حق را بگو و اگرچه تلخ باشد.

(فعل الأمر و الفعل الماضي)

پاسخ: فعل امر: قل فعل ماضی: كان

22

التمرین الثاني

ترجم الأفعال و المصادر التالية.

ترجمه: فعل ها و مصدرهای زیر را ترجمه کن.

المصدر	فعل الأمر	الفعل المضارع	الفعل الماضي
إنقاذ: نجات دادن	أنقذ: نجات بده	يُنقذ: نجات می دهد	أنقذ: نجات داد
ابتعاد: دور شدن	لا تبعد: دور نشو	لا يبتعد: دور نمی شود	ابتعد: دور شد
انسحاب: عقب نشینی کردن	لا تنسحب: عقب نشینی نکن	سینسحب: عقب نشینی خواهد کرد	انسحب: عقب نشینی کرد
استخدام: به کار گرفتن	استخدم: به کار بگیر	يستخدم: به کار می گیرد	استخدم: به کار گرفت
مجالسة: هم نشینی کردن	جالس: هم نشینی کن	يجالس: هم نشینی می کند	جالس: هم نشینی کرد
تذكر: به یاد آوردن	لا تنذكر: به یاد نیاور	يتذكر: به یاد می آورد	تذكر: به یاد آورد
تعایش: هم زیستی کردن	تعایش: هم زیستی کن	يتعایش: هم زیستی می کند	تعایش: هم زیستی کرد
تحريم: حرام کردن	لا تحرم: حرام نکن	يحرّم: حرام می کند	حرّم: حرام کرده است

23

التمرین الثالث

عين الكلمة الغريبة.

ترجمه: کلمه دور (غریب) را مشخص کن.

1	تَهِمَ	R	آلاف	£	مِائَات	£	عَشْرَات	£
2	أَحْمَر	R	أَثْقَل	£	أَطْيَب	£	أَشْجَع	£
3	سَيَّارَة	£	فَتْاحَة	£	قِرَاءَة	R	غَسَّالَة	£
4	جَمَل	£	أَسَد	£	حَرْت	R	ثَعْلَب	£

5	أَسْوَدَ	£	أَسْوَأَ	R	أَخْضَرَ	£	أَبْيَضَ	£
6	قُسْتَانَ	£	قَمِيصَ	£	سِرْوَالَ	£	دَخَلَ	R
7	رَضِيَ	R	حَكَمَ	£	مَرَمَى	£	هَدَفَ	£
8	لَحْمَ	£	مِيزَانَ	R	صُوفَ	£	لَبَنَ	£
9	طَيَّارَ	£	خَبَّازَ	£	حَدَّادَ	£	كَذَّابَ	R
10	شَاةَ	£	بَقَرَ	£	مَاعِزَ	£	زَلَّ	R

24

البحث العلمي (بحث علمي)

اكتب خمس عبارات بالعربية حول آداب الكلام.

ترجمه پنج عبارت به عربی پیرامون آداب سخن بنویس.



1- الكلام يُجَرُّ الكلام.

ترجمه سخن، سخن می کشد. (حرف، حرف می آورد)

2- إِذَا حَسُنَ الْخُلُقُ، لَطْفَ النَّطْقُ.

ترجمه هرگاه اخلاق خوب شود، سخن لطیف می شود.

3- الْمُؤْمِنُ صَدُوقُ اللِّسَانِ بِذَوْلِ الْإِحْسَانِ.

ترجمه مؤمن (بسیار) راستگو و (بسیار) نیکوکار است.

4- مَنْ صَدَّقَ لِسَانَهُ ذُكِيَ مَلَهُ.

ترجمه هر کس راستگو باشد عملش پاکیزه می شود.

5- السَّلامُ قَبْلُ الْكَلَامِ.

ترجمه سلام پیش از سخن گفتن است.

6- تَكَلَّمْ حَتَّى أَرَاكَ.

ترجمه سخن بگو تا تو را ببینم.

7- أَنْظَرُوا إِلَى صَدَقِ الْحَدِيثِ وَآدَاءِ الْأَمَانَةِ.

ترجمه به راستگویی و امانتداری (آنها) نگاه کنید (بنگرید).

تَفَكَّرُوا فِي الْخَلْقِ، وَ لَا تَفَكَّرُوا فِي الْخَالِقِ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ترجمه: در آفرینش تفکر کنید و در آفریننده تفکر نکنید.

الطَّائِرُ الطَّنَانُ

ترجمه: پرنده مرغ مگس



أَصْغَرُ طَائِرٍ طَوْلُهُ خَمْسَةُ سَنْتِمِاتٍ، يَطِيرُ إِلَى الْأَعْلَى وَالْأَسْفَلِ، وَ إِلَى الْيَمِينِ وَالْيَسَارِ، وَ إِلَى الْأَمَامِ وَالْخَلْفِ. إِنَّهُ يُحَرِّكُ جَنَاحَهُ ثَمَانِينَ مَرَّةً تَقْرِيباً فِي الثَّانِيَةِ الْوَاحِدَةِ.

ترجمه: کوچک‌ترین پرنده‌ای است که طول آن 5 سانتی‌متر است. به بالاترین و پایین‌ترین (جا) و به راست و به چپ و به جلو و عقب پرواز می‌کند. همانا او بال هایش را تقریباً 80 مرتبه در ثانیه حرکت می‌دهد.

التَّمْسَاحُ

ترجمه: تمساح



بَعْدَ تَنَاوُلِ طَعَامِهِ يَفْتَحُ فَمَهُ، فَيَدْخُلُ فِيهِ طَائِرٌ بِاسْمِ الزَّقَاقِ، وَ يَأْكُلُ بَقَايَا الطَّعَامِ.

ترجمه: بعد از خوردن غذایش دهانش را باز می‌کند، پس پرنده‌ای به نام مرغ باران داخل آن می‌شود و باقیمانده غذا را می‌خورد.

السَّمَكُ الطَّائِرُ

ترجمه: ماهی پرنده



يَقْفِزُ بِحَرَكَةٍ مِنْ ذَنْبِهِ الْقَوَى، وَ يَطِيرُ فَوْقَ سَطْحِ الْمَاءِ لِلْفَرَارِ مِنْ عَدُوِّهِ خَمْساً وَ أَرْبَعِينَ ثَانِيَةً.

ترجمه: با حرکت دم قوی خود می‌پرد و بالای سطح آب پرواز می‌کند 45 ثانیه برای فرار از دشمنش (45 ثانیه پرواز می‌کند)

نَقَارُ الْخَشَبِ

ترجمه: دارکوب



طَائِرٌ يَنْقُرُ جَذْعَ الشَّجَرَةِ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي الثَّانِيَةِ عَلَى الْأَقْلَى.

ترجمه: پرنده‌ای است که روی تنه درخت حداقل 10 بار در ثانیه می‌کوبد.

السَّجَابُ الطَّائِرُ.

ترجمه: سنجاب پرنده



لَهُ غِشَاءٌ كَالْمِظَلَّةِ يَفْتَحُهُ حِينَ يَقْفِزُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ أُخْرَى.

ترجمه: او پوششی دارد مانند چتر که آن را هنگام پرواز از درختی به درختی دیگر باز می‌کند.
حَيَّةُ الصَّحْرَاءِ

ترجمه: مار صحرا



عند شِدَّةِ الحرارة، تَضَعُ ذَنَبَهَا فِي الرَّمْلِ، ثُمَّ تَقِفُ كَالْعَصَا.

ترجمه: در هنگام شدت گرما دمش را در ماسه قرار می‌دهد سپس مانند عصا می‌ایستد.
فَعِنْدَمَا يَرِ طَائِرٌ عَلَى الْعَصَا، تَصِيدُهُ.

ترجمه: پس هنگامی که پرنده‌ای روی عصا می‌ایستد (توقف می‌کند) آن را شکار می‌کند.

28

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

ترجمه: به سؤالات زیر طبق متن درس جواب بده.

1- بِمَ يَقْفِزُ السَّجَابُ الطَّائِرُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ أُخْرَى؟

ترجمه: سنجاب پرنده با چه چیزی از درختی به درخت دیگر می‌پرد؟

پاسخ: له غِشَاءٌ كَالْمِظَلَّةِ (او پوششی مانند چتر دارد)

2- كَيْفَ يَنْقَرُ نَقَارُ الْخَشَبِ جَذْعَ الشَّجَرَةِ فِي الثَّانِيَةِ؟

ترجمه: دارکوب چند مرتبه در ثانیه روی تنه درخت می‌کوبد؟

پاسخ: عشر مرات في الثانية على الأقل، (حداقل 10 بار در ثانیه)

3- أَيْنَ تَضَعُ حَيَّةُ الصَّحْرَاءِ ذَنَبَهَا عِنْدَ شِدَّةِ الحرارة؟

ترجمه: مار صحرا دمش را در هنگام شدت گرما کجا قرار می‌دهد؟

پاسخ: في الرمل، (در ماسه)

4- كَيْفَ يَطِيرُ السَّمَكُ الطَّائِرُ فَوْقَ سَطْحِ الْمَاءِ؟

ترجمه: ماهی پرنده روی سطح آب چگونه پرواز می‌کند؟

پاسخ: بحركة من ذنبه القوي، (با حرکت دم قوی خود)

5- مَا اسْمُ الطَّائِرِ الَّذِي يَدْخُلُ فَمَ التَّمْساحِ؟

ترجمه: اسم پرنده‌ای که داخل دهان تمساح می‌شود چیست؟

پاسخ: الزقزاق (مرغ باران)

6- مَا هُوَ أَصْغَرُ طَائِرٍ فِي الْعَالَمِ؟

ترجمه: کوچک‌ترین پرنده در جهان چیست؟

پاسخ: الطائر الطنان (پرنده مرغ مگس)

المريض	الطبيب
أشعرُ بآلم في صدري، و عندي صداع.	ما بك؟
ما عندي ضغط الدم و لا مرض السكّر.	أ ضغطُ الدم عندك أم مرض السكّر؟
بعد الفحص	
شكراً يا حضرة الطبيب.	أنت مصاب بركام، و عندك حمى. أكتب لك وصفة.

پاسخ:

بیمار	پزشک
احساس درد در سینه‌ام می‌کنم و سردرد دارم.	تو را چه می‌شود؟
فشار خون ندارم و نه بیماری قند (نه فشار خون دارم نه دیابت)	آیا فشار خون داری یا بیماری قند (دیابت)؟
بعد از معاینه	
ممنون جناب دکتر	تو به سرماخوردگی شدید دچار شدی و تبی شدید داری برایت نسخه‌ای می‌نویسم.

اختیار نفسک (1): (خودت را امتحان کن)

ترجم الآیة و العبارة، ثم عین اسم المكان و اسم التفضیل.

ترجمه: آیه و عبارت را ترجمه کن سپس اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.

1- (... و جادلهم بالآتی هی أحسن إن ربک هو أعلم بمن ضل عن سبیلہ ...) النحل: 125

ترجمه: و با آنان به روشی که آن نیکوتر است بحث کن به راستی پروردگارت به کسی که از راهش گمراه شد آگاه‌تر است.

پاسخ: اسم تفضیل: أحسن - أعلم

2- كانت مكتبة جندی سابور فی خوزستان أكبر مكتبة فی العالم القديم.

ترجمه: کتابخانه جندی‌شاپور در خوزستان بزرگ‌ترین کتابخانه در جهان قدیم است.

پاسخ: اسم تفضیل: اکبر اسم مکان: مكتبة

اختیار نفسک (2): (خودت را امتحان کن)

عین اسم المكان فی کل مجموعة.

ترجمه: اسم مکان را در هر مجموعه مشخص کن.

1	مطابخ	R	مطبوخ	£	طبخ	£	طبخ	£
2	حاکم	£	محکمة	R	محکوم	£	محاكمة	£
3	جلوس	£	مجالسة	£	مجلس	R	جلسة	£
4	معبود	£	عابد	£	عبادة	£	معبد	R
5	مخرج	£	إخراج	£	خروج	£	مخرج	R

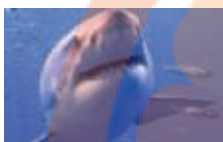
تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

ترجمه عبارت‌های زیر را ترجمه کن سپس آنچه را از تو خواسته، مشخص کن.

1- تَسْقُطُ أَسْنَانُ سَمَكِ الْقَرَشِ دَائِماً وَ تَنْمُو أَسْنَانُ جَدِيدَةٌ مَكَانَهَا. وَ فِي بَعْضِ أَوَاعِهِ تَنْمُو آلَافُ الْأَسْنَانِ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ.

ترجمه دندان‌های کوسه‌ماهی دائماً می‌افتد و دندان‌های جدیدی به جای آنها می‌روید و در برخی انواع آنها در یک سال هزاران دندان رشد می‌کند (می‌روید).

المَطْلُوب:



مفرد «أسنان»:

مفرد «آلاف»:

مترادف «سنة»:

عام

2- الْحَوْتُ الْأَزْرَقُ أَكْبَرُ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ فِي الْعَالَمِ. يَبْلُغُ طَوْلُهُ ثَلَاثِينَ مِتْرًا وَ وَزْنُهُ مِئَةً وَ سَبْعِينَ طُنًّا تَقْرِيبًا.

ترجمه نهنگ آبی بزرگ‌ترین موجودات زنده در جهان است، طول آن به 30 متر می‌رسد و وزن آن تقریباً 170 تن است.

المَطْلُوب:



اسم تفضیل:

اکبر

اسم مفرد مؤنث:

الحیة

فعل مضارع

يَبْلُغُ

3- التَّمْسَاحُ لَا يَبْكِي عِنْدَ أَكْلِ فَرِسَتِهِ، بَلْ عِنْدَمَا يَأْكُلُ فَرِيسَةً أَكْبَرَ مِنْ قِمِهِ، تُفَرِّزُ عَيْوُنُهُ سَائِلًا كَأَنَّهُ دُمُوعٌ.

ترجمه تمساح هنگام خوردن شکارش گریه نمی‌کند بلکه هنگامی که طعمه‌ای بزرگ‌تر از دهانش می‌خورد چشمانش مایعی ترشح می‌کند مثل اینکه آن اشک‌هایی است.

المَطْلُوب:



مترادف «أكل»:

تناول

اسم جمع مکسر:

عیون - دُمُوع

مفرد «دُمُوع»:

دَمْع

4- لِهَاجَاتُ نَوْعٍ وَاحِدٍ مِنَ الطَّيُورِ تَخْتَلِفُ مِنْ مِنتَقَةٍ إِلَى مِنتَقَةٍ أُخْرَى.

ترجمه لهجه‌های یک نوع از پرندگان از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر فرق می‌کند.

المَطْلُوب:



جمع مکسر:

الطيور

جمع مؤنث سالم:

لهجات

جمع «مِنَظَقَة»:

مناطق

5- الْخَفَّاشُ هُوَ الْحَيَوَانُ اللَّبُونُ الْوَحِيدُ الَّذِي يَقْدِرُ عَلَى الطَّيَّارِ.

ترجمه خفاش همان (تنها) حیوان پستاندار تنهایی است که می‌تواند پرواز کند. (قادر به پرواز است)

المَطْلُوب:



فعل مضارع:

يَقْدِرُ

جمع «حَيَوَان»:

حيوانات

ضمير منفصل:

و

عَيْنَ الْبَيْتِ الْفَارِسِيِّ الَّذِي يَرْتَبِطُ بِالْحَدِيثِ فِي الْمَعْنَى.

ترجمه: بیت فارسی که در معنی با حدیث ارتباط پیدا می کند را مشخص کن.

1- الْمُؤْمِنُ، قَلِيلُ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ. الإمام الكاظم (ع)

ترجمه: مؤمن کم حرف و زیاد عمل کننده است. (کم حرف می زند و زیاد عمل می کند)

2- الْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ، كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ. رسول الله (ص)

ترجمه: دانشمند بدون عمل مانند درخت بدون میوه است.

3- أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ، كَمَا أَمَرَنِي بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ. رسول الله (ص)

ترجمه: پروردگارم مرا به مدارا با مردم امر کرده است. همان طور که مرا به ادای واجبات دستور داده است.

(پروردگارم به من به مدارا کردن با مردم دستور داده است.) (ادای واجبات را به من امر کرده است.)

4- عداوة العاقل، خَيْرٌ مِنْ صداقة الجاهل. الإمام علي (ع)

ترجمه: دشمنی عاقل (دانا) بهتر از دوستی جاهل (نادان) است.

5- الذَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ. الإمام علي (ع)

ترجمه: روزگار 2 روز است، روزی به نفع تو و روزی علیه (ضد) تو

6- خَيْرُ الْأُمُورِ، أَوْسَطُهَا. رسول الله (ص)

ترجمه: مهم ترین کارها، میانه ترین آنهاست.

الف) کم گوی و گزیده گوی چون دُر

ب) علم گز اعمال نشانیش نیست

ج) اندازه نگه دار که اندازه نکوست

د) روزگارست آن که گه عزت دهد گه خوار دارد

ه) آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است

و) دشمن دانا که غم جان بود

پاسخ: 1) ← الف 2) ← ب 3) ← ه 4) ← و 5) ← د 6) ← ج

تا زانندک تو جهان شود پُر (نظامی گنجوی)

کالبدی دارد و جانیش نیست (امیر خسرو دهلوی)

هم لایق دشمن است و هم لایق دوست (سعدی شیرازی)

چرخ بازیگر از این بازیچه ها بسیار دارد (قائم مقام فراهانی)

با دوستان مروّت با دشمنان مدارا (حافظ شیرازی)

بهتر از آن دوست که نادان بود (نظامی گنجوی)

ابْحَثْ عَنْ خَمْسِ آيَاتٍ وَأَحَادِيثَ حَوْلَ خَلْقِ اللَّهِ.

ترجمه: 5 آیه و حدیث پیرامون آفرینش خدا را جستجو کن.



تأثير اللغة الفارسية على اللغة العربية (تأثير زبان فارسی بر زبان عربی)

نَقَلْتُ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ أَلْفَاظًا فَارِسِيَّةً كَثِيرَةً مُنْذُ الْعَصْرِ الْجَاهِلِيِّ بِسَبَبِ التَّجَارَةِ، وَكَانَتْ تِلْكَ الْمَفْرَدَاتُ مُرْتَبِطَةً بِبَعْضِ الْبَضَائِعِ الَّتِي مَا كَانَتْ عِنْدَ الْعَرَبِ كَالْمَسْكِ وَالدِّبَاجِ.

ترجمه: کلمات فارسی بسیاری از زمان جاهلیت به علت تجارت به عربی منتقل شده است، و آن واژگان مرتبط به برخی کالاهایی که عرب نداشت مانند مشک و ابریشم مربوط می شد.

و فِي الْعَصْرِ الْعَبَّاسِيِّ أَزْدَادَ نَفُوذُ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ حِينَ شَارَكَ الْإِيرَانِيُّونَ فِي قِيَامِ الدَّوْلَةِ الْعَبَّاسِيَّةِ. وَكَانَ لِابْنِ الْمُقَفَّعِ دَوْرٌ عَظِيمٌ فِي هَذَا التَّأْثِيرِ، لِأَنَّهُ تَرَجَّمَ عَدَدًا مِنَ الْكُتُبِ الْفَارْسِيَّةِ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ، مِثْلُ «كَلِيلَةِ وَدَمْنَةِ».

ترجمه: و در دوره عباسی نفوذ زبان فارسی افزایش یافت هنگامی که ایرانیان در قیام دولت عباسی شرکت کردند و ابن مقفع نقش بزرگی در این تأثیر داشت به خاطر اینکه او تعدادی از کتابهای فارسی به عربی مانند کلیل و دمنه را ترجمه کرد. (کرده است) آلف الدکتور التونجی «مُعْجَمُ الْمُعْرَبَاتِ الْفَارْسِيَّةِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ» الَّتِي فِيهَا كَلِمَاتُ فَارْسِيَّةٌ مُعْرَبَةٌ.

ترجمه: دکتر تونجی لغت نامه عربی شده های فارسی در زبان عربی را که در آن کلمات فارسی عربی شده را تألیف کرد.

أَمَّا الْكَلِمَاتُ الْفَارْسِيَّةُ الَّتِي دَخَلَتْ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ فَقَدْ تَغَيَّرَتْ أَصْوَاتُهَا وَأَوْنَانُهَا، مِثْلُ:

ترجمه: ولی کلمات فارسی که به زبان عربی داخل شد پس قطعاً صداهایش و وزن هایش تغییر کرده است. مانند:

پردیس - فردوس مهرگان - مهرجان چادرشَب - شَرشَف

تَبَادُلُ الْمَفْرَدَاتِ بَيْنَ اللُّغَاتِ، أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ وَ لَا نَجْدُ لُغَةً بِدُونِ كَلِمَاتٍ دَخِلَتْ: كَانَ تَأْثِيرُ الْفَارْسِيَّةِ عَلَى الْعَرَبِيَّةِ قَبْلَ الْإِسْلَامِ أَكْثَرَ مِنْ تَأْثِيرِهَا بَعْدَ الْإِسْلَامِ، وَ أَمَّا بَعْدَ ظُهُورِ الْإِسْلَامِ أَزْدَادَتْ الْمَفْرَدَاتُ الْعَرَبِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ بِسَبَبِ الْعَامِلِ الدِّينِيِّ.

ترجمه: عوض کردن واژگان میان زبان ها امری طبیعی است و زبانی را بدون کلماتی وارد شده نمی یابیم، تأثیر زبان فارسی بر عربی قبل از اسلام بیشتر از تأثیرش بعد از اسلام بود ولی پس از ظهور (پیدایش) اسلام واژگان عربی در زبان فارسی به علت عامل دینی زیاد شد.

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ مُسْتَعِينًا بِالنَّصِّ.

ترجمه: به سؤالات زیر با کمک از متن پاسخ بده.

1- لِمَاذَا أَزْدَادَتْ الْمَفْرَدَاتُ الْعَرَبِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ بَعْدَ ظُهُورِ الْإِسْلَامِ؟

ترجمه: چرا بعد از ظهور اسلام واژگان عربی در زبان فارسی زیاد شد؟

پاسخ: بسبب العامل الديني (به علت عامل دینی)

2- مَنْ هُوَ مُؤَلِّفُ «مُعْجَمِ الْمُعْرَبَاتِ الْفَارْسِيَّةِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ»؟

ترجمه: نویسنده واژه نامه عربی شده های فارسی در زبان عربی کیست؟

پاسخ: الدكتور التونجی (دکتر تونجی)

3- مَتَى دَخَلَتْ الْمَفْرَدَاتُ الْفَارْسِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟

ترجمه: چه وقت واژه های فارسی وارد زبان عربی شد؟

پاسخ: مُنْذُ الْعَصْرِ الْجَاهِلِيِّ (از زمان جاهلیت)

4- مَتَى أَزْدَادَ نَفُوذُ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟

ترجمه: چه وقت نفوذ زبان فارسی در زبان عربی افزایش یافت؟

پاسخ: فِي الْعَصْرِ الْعَبَّاسِيِّ (در زمان (دوره) عباسی)

5- أ توجَدُ لُغَةً بِدُونِ كَلِمَاتٍ دَخِيلَةٍ فِي الْعَالَمِ؟

ترجمه: آیا زبانی بدون کلمات وارد شده در جهان یافت می شود؟

پاسخ: لا (خیر)

6- مَا هُوَ الْأَصْلُ الْفَارِسِيُّ لِكَلِمَةِ «فِرْدَوْس»؟

ترجمه: اصل فارسی کلمه فردوس چیست؟

پاسخ: پردیس

حوار (فِي الصَّيْدَلِيِّ - كَتَبْتُكَ (در داروخانه))

41

الْحَاجُّ	الْصَّيْدَلِيُّ
عَفْوًا، مَا عِنْدِي وَصْفَةٌ وَ أُرِيدُ هَذِهِ الْأَدْوِيَةَ الْمَكْتُوبَةَ عَلَى الْوَرَقَةِ.	أَعْطِنِي الْوَرَقَةَ: محرار، حُبُوبٌ مُسَكَّنَةٌ لِلصُّدَاعِ، حُبُوبٌ مَهْدِنَةٌ، كَبْسُولٌ أَمْبِيسِيلِينَ، قُطْنٌ طَبِّيّ، مَرَهْمٌ لِحَسَّاسِيَّةِ الْجِلْدِ ... لا بَأْسَ، وَلَكِنْ لَا أُعْطِيكَ أَمْبِيسِيلِينَ.
لِمَاذَا لَا تُعْطِينِي؟	لَأَنَّ بَيْعَهَا بِدُونِ وَصْفَةٍ غَيْرِ مَسْمُوحٍ. لِمَنْ تَشْتَرِي هَذِهِ الْأَدْوِيَةَ؟
أَشْتَرِيهَا لِزَمَلَائِي فِي الْقَافِلَةِ.	رَجَاءً، رَاجِعِ الطَّبِيبَ؛ الشِّفَاءُ مِنَ اللَّهِ.

ترجمه:

حاجی	داروفروش
بخشید نسخه‌ای ندارم و این داروهای نوشته شده روی کاغذ را می‌خواهم.	کاغذ را به من بده. دماسنج، قرص‌های مسکن برای سردرد، قرص‌های آرام‌بخش، کپسول آمپسیلین، پنبه طبی، پماد برای حساسیت پوست ... عیبی ندارد ولی آمپسیلین به تو نمی‌دهم.
چرا به من نمی‌دهی؟	زیرا فروش آن بدون نسخه پزشک ممنوع است. برای چه کسی این داروها را می‌خری؟
آنها را برای همراهانم در کاروان می‌خرم.	لطفاً به پزشک مراجعه کن. شفا از جانب خداست. (خدا شفا دهد)

44

اخْتِثِرْ نَفْسَكَ: (خودت را امتحان کن)

ترجم الآيات و الحديثين حسب قواعد الدرس، ثم عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمُضَارِعَةَ.

ترجمه: آیات و 2 حدیث را برحسب قواعد درس ترجمه کن سپس فعل‌های مضارع را مشخص کن.

1- لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا. التَّوْبَةُ: 40

ترجمه: غمگین نباش همانا (قطعاً) خداوند با ماست.

پاسخ: فعل مضارع: لَا تَحْزَنْ (فعل نهی)

2- إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ. الرَّعْد: 11

ترجمه: همانا خداوند چیزی را برای قومی تغییر نمی‌دهد تا آنچه را در خودشان است تغییر دهند.

پاسخ: فعل مضارع: لَا يَغَيِّرُ (مضارع منفی) - حَتَّى يُغَيِّرُوا

3- و عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ. الْبَقَرَةُ: 216

ترجمه: و شاید چیزی را ناپسند بدانید در حالی که آن برای شما بهتر است (خیر و صلاح شما در آن بوده) و شاید چیزی را دوست بدانید در حالی که آن برای شما شر و بدی است.

پاسخ: فعل مضارع: أَنْ تَكْرَهُوا - أَنْ تُحِبُّوا

4- ... أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ. الْبَقَرَةُ: 254

ترجمه: از آنچه به شما روزی دادیم اتفاق کنید پیش از آنکه روزی بیاید که در آن، نه فروشی است و نه دوستی و نه شفاعتی است.

پاسخ: فعل مضارع: أَنْ يَأْتِيَ

5- ... لَا تَظْلِمُ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَأَحْسَنُ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ. الْإِمَامُ عَلِيٌّ (ع)

ترجمه: ظلم نکن همان طور که دوست نداری مورد ظلم واقع شوی و نیکی کن همان طور که دوست داری به تو نیکی شود.

پاسخ: فعل مضارع: لَا تَظْلِمُ (فعل نهی) - لَا تُحِبُّ (مضارع منفی) - أَنْ تُظْلَمَ - أَنْ يُحْسَنَ

6- مِنْ أَخْلَاقِ الْجَاهِلِ الْإِجَابَةُ قَبْلَ أَنْ يَسْمَعَ وَ الْمَعَارَضَةُ قَبْلَ أَنْ يَفْهَمَ وَالْحُكْمُ بِمَا لَا يَعْلَمُ. الْإِمَامُ الصَّادِقُ (ع)

ترجمه: از اخلاق نادان (پاسخ دادن قبل از اینکه گوش کند و مخالفت قبل از اینکه بفهمد و داوری کردن به آنچه که نمی داند) است.

پاسخ: فعل مضارع: أَنْ يَسْمَعَ - أَنْ يَفْهَمَ - لَا يَعْلَمُ (مضارع منفی)

45

التَّحْرِيرُ الْأَوَّلُ

Q R

عَيْنُ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ.

ترجمه: جمله صحیح و غیر صحیح را بر حسب واقعیت مشخص کن.

" R

1- «الْمَسْكُ» عَطَرٌ يُتَّخَذُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْغِزْلَانِ.

ترجمه: مشک عطری است که از نوعی از آهوها گرفته می شود.

" R

2- «الشَّرْشَفُ» قِطْعَةُ قُمَاشٍ تَوْضَعُ عَلَى السَّرِيرِ.

ترجمه: ملحفه تکه ای پارچه است که بر روی تخت گذاشته می شود.

Q "

3- الْعَرَبُ يَنْطِقُونَ الْكَلِمَاتِ الدَّخِيلَةَ طَبَقَ أَصْلِهَا.

ترجمه: عرب، کلمات وارد شده را بر طبق اصل آنها بر زبان می آورند.

" R

4- فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ مِائَاتُ الْكَلِمَاتِ الْمُعَرَّبَةِ ذَاتُ الْأَصُولِ الْفَارْسِيَّةِ.

ترجمه: در زبان عربی صدها کلمات عربی شده دارای اصل های فارسی است.

Q "

5- أَلْفُ الدُّكْتُورِ أَلْتُونُجِي مُعْجَمًا يَحْتَوِي كَلِمَاتٍ تُرْكِيَّةً مُعَرَّبَةً فِي الْعَرَبِيَّةِ

ترجمه: دکتر تونجی کتابی نگاشت که کلمه های ترکی عربی شده در زبان عربی را دربردارد.

45

التَّحْرِيرُ الثَّانِي

عَيْنُ الْعِبَارَةِ الْفَارْسِيَّةِ الْمُنَاسِبَةِ لِلْعِبَارَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

ترجمه: عبارت فارسی مناسب برای عبارت عربی را مشخص کن.

1) تَجَرَى الرِّيحُ بِمَا لَا تَشْتَهِي السُّفُنُ.	الف) هر چه پیش آید خوش آید.
2) الْبَعِيدُ عَنِ الْعَيْنِ، بَعِيدٌ عَنِ الْقَلْبِ.	ب) کم گوی و گزیده گوی چون در.
3) أَكَلْتُمْ تَمْرًا وَ عَصَيْتُمْ أَمْرًا.	ج) گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی.
4) خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَدَلَّ.	د) نمک خورد و نمکدان شکست.
5) الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ.	ه) از دل برود هر آنکه از دیده رود.
6) الْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ.	و) برد کشتی آنجا که خواهد خدای و گر جامه بر تن درد ناخدای

ترجمه:

پاسخ:

- (1) بادها به طرفی که کشتی‌ها نمی‌خواهند می‌وزند.
- (2) دور از چشم، از قلب دور است.
- (3) خرمایم را خوردید و از دستورم سرپیچی کردید.
- (4) بهترین سخن آن است که کم باشد و راهنمایی کند.
- (5) صبر کردن کلید گشایش است.
- (6) خوبی در چیزی است که اتفاق افتاد.

(الف)

46

الثَّالِثُ

عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْمَفْرَدِ وَالْجَمْعِ.

ترجمه: صحیح را در مفرد و جمع مشخص کن.

O	P	مفرد و جمع	
	P	محصول	محاصيل
O		فُستَان	بَسَاتِين
	P	بِضَاعَة	بَضَائِع
O		أَفْضَل	فَضَائِل
	P	مَاشِيَة	مَوَاشِي
	P	سَفِينَة	فُحُن
O		مَكْتَبَة	كُتَاب
	P	عَزَال	غَزْلَان
	P	صَانِع	صَنَاع
O		نَفْس	أَنْفُس
	P	مَدِينَة	مُدُن
	P	دَوَاء	أَدْوِيَة
	P	سَعْر	أَسْعَار
O		عَبْد	أَحِبَاء
O		عَمَل	مَعَايِد
	P	فُرْصَة	أَعْمَال
	P	جَمَل	فُرُص
O		لَحْم	جَمَل
	P	رِيح	لُحُوم
	P	تُهْمَة	رِيَا ح
	P	أَلْف	تُهُم
	P		آلَاف

نکته: نَفْس ← [ن] أَنْفَاس نَفْس ← [ن] أَنْفُس - نَفُوس

البَحْثُ الْعِلْمِيُّ

أَكْتُبْ عِشْرِينَ كَلِمَةً مُعَرَّبَةً أَصْلُهَا فَارِسِيٌّ مِنْ أَحَدِ هَذِهِ الْكُتُبِ.

ترجمه: 20 کلمه عربی شده که اصل آن فارسی است از یکی از این کتاب‌ها بنویس.

47

تلاشی در مسیر موفقیت



- ✓ دانلود گام به گام تمام دروس
- ✓ دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه
- ✓ دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی
- ✓ دانلود نمونه سوالات امتحانی
- ✓ مشاوره کنکور
- ✓ فیلم های انگیزشی

 Www.ToranjBook.Net

 [ToranjBook_Net](https://t.me/ToranjBook_Net)

 [ToranjBook_Net](https://www.instagram.com/ToranjBook_Net)